

گزارش

وداع با وفاق

امروز باید به ملت پاسخ دهید و بگویید چرا یک وزیر در این شش ماه برای کشور ۵۰ درصد گرانی و تورم ایجاد کرده است؟ اگر امروز ترمز گرانی را بکشیم، قطعا به نفع کشور و مردم است.»

محسن زنگنه هم وقتی پشت تریبون فرار گرفت، خطاب به مسعود پزشکیان گفت: من می خواهم کمی از شما دفاع کنم؛ گزارشاتی که به حضرت‌عالی می دهند، نادرست است. بدهی دولت به شرکت‌های خصوصی، تأمین اجتماعی و پیمانکاران سابقه ۱۰ساله دارد، چه کسی به شما گفته که اینها میراث آقای رئیسی و دولت قبلی است؟ به شما گفته‌اند پول نداریم اما اشتباه گفته‌اند.

او همچنین به عملکرد مثبت پزشکیان هم اشاره‌ای کرد و گفت: «من به شما تبریک می‌گویم که میزان صادرات در امسال نسبت به سال قبل ۱۷ درصد افزایش یافته و کسری تراز تجاری شما نسبت به دولت قبل در همین زمان دو میلیارد کاهش پیدا کرده است، پس شما همین امروز نسبت به سال گذشته در این زمان، وضعیت بهتری دارید. گفته می‌شود شما پول ندارید و برای یک میلیارد دلار کلارلاک از صندوق توسعه پول گرفته‌اید. طبق گزارشات دیوان محاسبات همین الان ۲۹۵ هزار میلیارد تومان رسوب در حساب سازمان‌ها دارید. ۸۷ همت آن اعتبارات تملک سرمایه‌ای است که آقای همتی می‌گوید اوراق چاپ کرده که بدهی دهید. آقای پزشکیان سابقه ۴۰ساله دارد، چه کسی به شما گفته که اینها در حالی که ۲۹۵ همت در حساب‌هاست، اگر شهرداری‌ها بداندند که در حساب ادارات کل دارایی ما از هزار تا هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پولی که مال شهرداری‌ها از سهم ارزش افزوده‌شان همچنان رسوب شده است، بصره چه خوانده‌گفت؟».
زنگنه افزود: «اجرای ماده ۳ قانون برنامه، ماده ۱۱۸ و تبصره، ماده ۱۱۸ قانون محاسبات عمومی، بند «ت» تبصره ۸ بودجه، بند «د» و «ه» ماده ۲۸ قانون الحاق ۲ و ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی و قانون تشکیل وزرات اقتصاد با شخص آقای همتی است. اگر شما پول ندارید، پس اینها چیست؟ به شما گزارش‌های غلط می‌دهند و می‌خواهند کشور را به انسداد بکشند». او در نهایت خطاب به همتی گفت: «آقای همتی همچنان بر مذاکره و رفع تحریم به‌عنوان تنها راه تأکید دارند که این خلاف نظر رئیس‌جمهور است. اینها هیچ راه دیگری ندارند.»

استیضاح مانع مشکل جدید می‌شود

ابوالفضل ایزدزایی دیگر موافق استیضاح هم گفت: استیضاح آقای همتی مشکلی را حل نمی‌کند اما از شکل‌گیری مشکلات جدید جلوگیری می‌کند. این عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی ادامه داد: وقتی آقای همتی می‌گوید افزایش دلار تا بیشتر هم جا دارد، چه می‌توان گفت؟ آقای همتی دربارهٔ عدم پرداخت وام فرزندآوری و ازدواج گفتید که بودجه نیست اما از اهدای وام به کارمندان دولت دفاع کردید. ایزدزایی تأکید کرد: آیا می‌پذیریم یکی از کارشناسان اقتصادی کشور و مشاور آقای پزشکیان، آقای همتی باشد؟ آقای همتی شما باید قانون افاضاتی‌اف داخلی را دنبال می‌کردید اما وقت خود را صرف افاضی‌ت‌اف خارجی کردید. آقای همتی شما راه را پاک کردید. وی در پایان گفت: آقای همتی شما در این شش، هفت ماه فقط یک بار با مجلس جلسه گذاشتید. شما باعث شدید رهبر انقلاب دربارهٔ مجوزهای کسب‌وکار احساس سرزندگی کند.

همتی در اجرای سیاست‌ها اشتباه کرد

حسین صمصامی هم که از همان ابتدای تشکیل دولت در مخالفت با کابینه همیشه حاضر بوده، در جریان بررسی استیضاح وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: شیلهاتی دربارهٔ استیضاح وزیر اقتصاد مطرح شده که به آن پاسخ می‌دهم؛ شبهه اول این است که با گذشت شش ماه از استقرار دولت، چرا وزیر استیضاح می‌شود؟ پاسخ این است که با استقرار دولت جدید سیاستی مطرح شد مبنی بر اینکه اختلاف بین نرخ ارز نیما و بازار آزاد زیاد است و باید اختلاف را با افزایش نرخ نیما از بین ببریم تا رانت از بین برود. در زمان استقرار دولت جدید نرخ ارز نیما ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد، در حالی که ۱۸ ماه قبل با وجود تمام اتفاقات، نرخ ارز نیما حدود ۲۲ درصد افزایش یافته بود. وی افزود: هدف این بود که نرخ ارز نیما را زیاد کنند که فاصله نرخ نیما و بازار آزاد کم شود و رانت از بین برود اما در شش ماه استقرار دولت جدید نرخ ارز در بازار قاچاق ۵۸ درصد رشد داشته، در حالی که در ۱۸ ماه قبل تنها ۱۴ درصد رشد داشت. صمصامی اضافه کرد: این وضعیت نشان می‌دهد که سیاست اجراشده برای رانت ابداعی فایده نداشت و به جای آن قیمت کالاها افزایش داشته است.

هرگز اطلاعاتی نخواهم داد که منافع ملی را به خطر بیندازد

در نهایت وقتی نوبت به خود همتی رسید تا از عملکردش دفاع کند، گریزی به ادعاهای استیضاح‌کنندگان زد و با اشاره به اینکه می‌گویند همتی پاسخ سؤال‌ها را نمی‌دهد، بیان کرد: «کیست که نداند دشواری‌های معیشتی مردم چگونه است؟ در جریان مشکلات مردم قرار دارم؛ آیا ممکن است کسی که به اقتصاد کشور مسلط است، نداند که طی هفت سال پی‌درپی، تورم بالای ۴۰ درصد چه تأثیری بر معیشت مردم می‌گذارد؟ این شرایط مانند وزنه‌برداری است که سال اول وزنه‌ای ۲۰۰ کیلوپی می‌زند، سال بعد ۲۱۰، ۲۱۵ و در نهایت، پس از سال‌ها، تنها ۲۰۰ گرم تغییر می‌دهد. حالا مردم ما در شرایطی قرار دارند که قدرت خریدشان سال به سال کاهش می‌یابد و این مسئله برای همه آشکار است.» او ادامه داد: «خواهش من از شما این است که از من نخواهید اطلاعاتی را بیان کنم که دشمنان کشور از آن بهره‌برداری کنند و شاد شوند. من هرگز اطلاعاتی نخواهم داد که منافع ملی را به خطر بیندازد و تلاش می‌کنم در چارچوب منافع ملی صحبت کنم. به همین دلیل، از نمایندگان و ملت ایران عذرخواهی می‌کنم اگر نتوانستم برخی مسائل را در اینجا بیان کنم.»

قاچاق دست‌گمرک نیست

او دربارهٔ اصلاح‌نشدن گمرک و قاچاق هم گفت: قاچاق دست‌گمرک نیست. ما بیش از ۳۰ میلیارد دلار قاچاق داریم که خیلی بد است اما وزیر اقتصاد دربارهٔ قاچاق چه کاری باید انجام دهد؟ وقتی روزانه ۲۰ میلیون لیتر گازوئیل به خارج می‌رود، وزیر اقتصاد چه کار می‌تواند بکند؟ این ۲۰ میلیون لیتر گازوئیل در در سال معادل ۳۲۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. یعنی اندازه کس بارانسه‌ای که به مردم می‌دهیم. همتی افزود: این موضوع نیاز به اصلاحات دارد، اما فقط در اختیار وزیر اقتصاد نیست. البته وزیر اقتصاد هم باید کمک کند و ما در حال پیگیری این موضوع هستیم. قاچاق‌های مختلفی وجود دارد چون ما در قانون هزار و ۵۰۰ کالا را از فهرست واردات حذف کردیم و گفته شده کالاهایی که مشابه داخلی دارند، وارد نشوند اما این کالاها به‌صورت غیررسمی وارد کشور می‌شوند. من باید چه کنم، من باید جلوی قاچاق را بگیرم؟ او با اشاره به قانون کولبری‌ها و تهنجی‌ها گفت که آیین‌نامه آن در دولت نوشته شده که آنهایی که در مرز فعالیت اقتصادی می‌کنند، به‌تدریج سازماندهی شوند و اشتغال منطقه تأمین شود. این یکی از کارهای مهم بود و حداقل چهار جلسه کمیسیون اقتصاد درگیر همین موضوع بودیم تا این طرح تصویب شود. پس نفرمایید همتی هیچ کاری انجام نمی‌دهد؛ اپوزارت اقتصاد است که ۸۰ درصد بودجه کشور را تأمین می‌کند. نگویید وزارت اقتصاد هیچ کاری نمی‌کند و نشسته است.

در نهایت با پایان جلسه بررسی طرح استیضاح، رئیس‌جمهور و همتی و هیئت همراه مجلس از ترک کردند و رأی‌گیری آغاز شد و نتیجه هم عدم رأی اعتماد بهارستان به همتی بود تا دوران وزارت او به شش ماه برسد.

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ بعد از تنش لفظی شامگاه جمعه بین زلنسکی و دونالد ترامپ، برخی تحلیل‌های رسانه‌ای در داخل کشور شکل گرفته است که نتیجه اعتماد به واشنگتن را تحقیرآمیز می‌دانند. اما در مرادوات سیاست خارجی، این سکه روی دیگری هم دارد. روس‌ها نیز مشابه همین رفتار را از خود نشان می‌دهند. اگرچه در سال‌های اخیر، ایران و روسیه همکاری‌های نزدیکی در مسائل نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیک داشته‌اند، اما کارشناسان بر حسب ارزیابی رفتار مسکو در حوزه دیپلماسی، بر این باورند که این به معنای یک اتحاد راهبردی کامل نیست. شواهد متعددی برای تأیید و تبیین این موضوع وجود دارد؛ همچنان که مسکو از موقعیت ایران برای معامله با غرب استفاده می‌کند، در عین حال، روسیه روابط تجاری و دیپلماتیک گسترده‌تری با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و حتی اسرائیل دارد و نمی‌خواهد این روابط را قربانی کند. در سایه این نکات، تقویت موقعیت روسیه در مذاکره با آمریکا می‌تواند به معنای تغییر جایگاه ایران در معادلات کرملین نیز تحلیل شود. از این منظر و برای واکاوی سمت و سوی سیاست خارجی تهران و مشخصاً آینده مذاکرات، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه میهمان این دور از گفت‌وگو با «شرق» است تا تحلیل رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم را در این رابطه جویا شویم.

●●●

ک بیش از زورود به موضوع ایران تمایل دارم گفت‌وگو با حضرت‌عالی را از نقطه دیگری آغاز کنم که ناظر بر مسائل آمریکاست. با توجه به واکنش‌های گسترده محافل آمریکا پس از جدال لفظی زلنسکی و ترامپ، به نظر می‌رسد ساختار سیاسی ایالات متحده به یک دوقطبی در رابطه با عملکرد حدود دوماهه ترامپ رسیده است. آیا در سایه چنین فضایی امکان تقابل با او (دونالد ترامپ) وجود دارد؟
منظورتان برخورد ساختار سیاسی آمریکا با ترامپ است؟ من معتقدم که موضوع فراتر از اینهاست که انتظار داشته باشیم در آینده بخشی از ساختار سیاسی یا هیئت حاکمه آمریکا بخواهد دونالد ترامپ را کنترل و به نوعی ترمز او را بکشد و با او برخورد کند.
ک یعنی منکر آن هستید؟
خیر، امکانش هست، اما به نظرم باید موضع را از زاویه دیگری دید.
ک از چه زاویه‌ای؟
از این منظر که ما شاهد احیای دوره‌ای از سوداگری در عرصه بین‌الملل خواهیم بود....
ک اشاره مشخص شما که به «تئومرکانتیلیسم» (سوداگرایی نوین) نیست؟
اتفاق همین است. ما شاهد آغاز عصر مرکانتیلیسم در صحنه روابط بین‌الملل و به‌خصوص در آمریکا هستیم. یعنی اکنون کشورها با حداکثر قدرت و توان خود به دنبال بیشترین سود و منفعت ملی هستند و این به معنای شکست تمام آرمان‌های خوشبینانه‌ای بود که بعد از جنگ سرد شکل گرفت و دونالد ترامپ به عنوان فردی که در رأس این جریان قرار دارد، عملاً «سوداگرایی ملی» را به کلان‌روایت در روابط بین‌الملل تبدیل کرده است. این نگاه در همان دولت اول او شروع شده بود، اما بوروکراسی عظیم دموکرات‌ها یک وقفه چهارساله را با پیروزی جو بایدن رقم زد. با این حال در همان چهار سال دولت بایدن نیز مردم آمریکا به نگاه دونالد ترامپ اعتقاد داشتند و نهایتاً در انتخابات سال ۲۰۲۴، مجدداً او را انتخاب کردند و با شکست بوروکراسی دموکرات‌ها، اکنون شعار «اول آمریکا» به استراتژی این کشور تبدیل شده است. لذا من معتقدم که چهار سال پیش‌رویک چهار سال بی‌سابقه در غارتگری و سوداگری است و به نظر من سیاست‌مداران قوی کسانی هستند که بتوانند مانع غارت‌شدن کشورشان بشوند. بنابراین تأییش از دونالد ترامپ جنگ اوکراین که به عنوان جنگ دنیای آزاد علیه دنیای اهریمن از آن یاد می‌شد، بیکاره با تلاش برای عملیاتی‌کردن آتش‌بس، ماهیت خود را از دست داد و ما عملاً شاهد آن هستیم که دونالد ترامپ پایان‌دادن به این جنگ را منوط به یک قرارداد ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلاری برای بهره‌برداری آمریکا از معادن کمیاب اوکراین می‌کند. یعنی مشابه همان نگاه مرکانتیلیستی و سوداگرایی که قرار دادهایی را به برخی کشورها تحمیل کرد؛ کم‌اینکه ایران هم دو عهدنامه ترک‌مانچای و گلستان را در این رابطه تجربه کرده است. به همین دلیل است که من معتقدم دیگر ساختار سابق نظام بین‌الملل به هم خورده است و دو فرد مانند ترامپ و پوتین که یک نگاه تاراج‌گرانه به روابط با دیگر کشورها دارند و از آنها به عنوان کارت بازی استفاده می‌کنند، توانستند خیلی زود و در کمتر از یک ماه از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید هم‌دیگر را پیدا کرده و در یک هم‌افزایی سیاسی و دیپلماتیک قرار بگیرند و چون عصر تاراجگری قدرت‌ها شروع شده است، قطعا دیگر برخی عبارات و کلیدواژه‌ها مانند «روابط راهبردی» در عرصه سیاسی معنای خود را از دست خواهد داد.
ک اگر چه به کشور خاصی اشاره نکردید، اما سیبل این آسیب‌شناسی شما می‌تواند متوجه ایران هم باشد؟

قطعا. من معتقدم در آغاز عصر تاراجگری و سوداگرایی، ایران بیش از دیگر کشورها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و باید جمهوری اسلامی ایران هوشیاری لازم را در این رابطه داشته باشد.
ک تا به این حد باید نگران بود؟
بله. وقتی ایران از فرصت‌های خود در وین، ژنو، نیویورک یا هر جای دیگر استفاده نکند، قطعا دو تاراج‌گر مانند پوتین و ترامپ در یک زمین بیکانه مانند ریاض به‌راحتی می‌توانند بر سر موقعیت‌های ایران معامله کنند و این را هم به شما قول می‌دهم که پوتین در مذاکرات خود با دونالد ترامپ حاضر است برای اینکه سرزمین‌های اشغالی را در اوکراین را به خود الحاق کند، به‌راحتی از ایران روی برگرداند. یعنی ما سه سال گذشته در مورد برجام به خاطر همین جنگ اوکراین با چالش‌های زیادی مواجه شدیم و درواقع برجام را از دست دادیم. اکنون هم مطمئن باشید روسیه در تبتی و معامله با ترامپ، از موقعیت ایران سوءاستفاده لازم را می‌کند. شما در ادبیات دونالد ترامپ در جلسه‌ای که با زلنسکی داشت، دیدید که به تکرار از «برگ برنده» و «کارت بازی» استفاده کرد. این ادبیات کسانی است که کشورها را مانند کارت بازی می‌بینند. یعنی سیاست‌مداری که نگاه تاراج‌گرانه و سوداگرانه دارد. مشابه همین نگاه قربانی منافع خود در مناسبات با روسیه کند. طبیعتاً روس‌ها و پوتین هم ایران را به‌راحتی و برای تحقق منافع خود قربانی خواهند کرد.

ک اتفاقاً این نکته شما می‌تواند در ضدید با مواضع پیشین‌تان قرار بگیرد.

ک چون بعد از تنش لفظی زلنسکی و ترامپ، اصولگرایان و جریانات رسانه‌ای آنها مرتب از این موضوع به عنوان حربه‌ای برای حمله به کسانی استفاده می‌کنند که به دنبال مذاکره با آمریکا هستند.
به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. اتفاقاً در دوره‌ای که اطرافیان و وزرای آقای پزشکیان مرتب چراغ سبزه به آمریکا برای آغاز مذاکرات نشان می‌دادند -یعنی زمانی که هنوز دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب بود و وارد کاخ سفید نشده بود- من به کرات گفته بودم که این چراغ سبزه‌ای بی‌فایده و مکرر و بی‌پاسخ بودن و بی‌عمل بودن آمریکا، تنها سود و منفعتی برای ایران ندارد، بلکه جایگاه و وزن این دولت را هم تضعیف می‌کند و در عین حال ایران را به اولویت ترامپ تبدیل نمی‌کند. اما در پاسخ مشخص به سؤال شما من معتقدم چهار سال آینده دونالد ترامپ زخم‌های زیادی را در آمریکا و در سطح مناسبات جهانی باز خواهد کرد و بازشدن هر زخم بخشی از انرژی دونالد ترامپ را خواهد گرفت. لذا در این شرایط من بارها گفتم که دونالد ترامپ دیگر شرایطی مانند سال‌های قبل برای احیای برجام قائل نیست. ترامپ برای نشان‌دادن قدرت خود در عرصه بین‌الملل نیاز به آن دارد که رفتار اقتدارگرایانه خود را در برخی از نقاط جهان نشان دهد و اتفاقاً برخی ادبیات حساس‌برانگیز در ایران می‌تواند باعث شود ترامپ از موقعیت تهران نیز به عنوان یک هدف در جهت به رخ کشیدن رفتار اقتدارگرایانه خود استفاده کند. شبیه آن رفتاری که شامگاه جمعه با زلنسکی انجام داد. به بیان دیگر و اتفاقاً برخلاف آنچه اصولگرایان از آن به نفع خود بهره‌برداری سیاسی و رسانه‌ای می‌کنند، تنش لفظی دونالد ترامپ و زلنسکی نشان داد رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال همین سیاست اقتدارگرایانه در حل‌وفصل چالش‌ها و مشکلات بین‌المللی است و ادعای مذاکره و تماس با ایران از سوی دونالد ترامپ بخشی از همین راه‌حل اقتدارطلبانه برای حل‌وفصل موضوع ایران است.

ک پس حشمت‌الله فلاحت‌پیشه دیگر موضوع مذاکره را به‌مثابه یک راه‌حل نمی‌بیند؟

ببینید، من دو بار و در دو مقطع زمانی مشخص معتقد بودم که باید مذاکره مستقیم و جدی با آمریکا انجام شود. یک بار در دولت اول دونالد ترامپ بود که آن هم نه برای مذاکره و توافق جدید، بلکه ایجاد یک «میز قرمز» بود و دیگری هم به دوره جو بایدن بازمی‌گردد. من در همان زمان گفتم که دولت بایدن یک فرصت برای دیپلماسی ماست که ایران می‌تواند برجام را احیا کند. من بارها با خود شما گفت‌وگو کردم و تیرهای معروفی دارم. پس نیازی نیست بگویم که هیچ‌گاه در دوره دوم دونالد ترامپ اسمی از مذاکره نبردم، اما هیچ‌کدام از آن توصیه‌هایی که برای مذاکره در دولت اول ترامپ و دولت جو بایدن مطرح کردم، مورد توجه قرار نگرفت و نهایتاً ما با قربانی شدن احیای برجام پای منافع پوتین در جنگ اوکراین شاهد شرایطی هستیم که با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، اکنون رؤسای جمهور آمریکا و روسیه با آغاز عصر تاراجگری خود به‌راحتی می‌توانند کشورهایی را قربانی منافعشان کنند.
ک به نکته بسیار مهمی اشاره کردید؛ تشکیل «میز قرمز» در دولت اول دونالد ترامپ بین ایران و آمریکا، اکنون هم بسیاری معتقدند که سایه یک جنگ پس از بازگشت ترامپ به کاخ سفید سنگینی می‌کند. کم‌اینکه ترامپ صراحتاً ایران را بین ادعای «توافق جدید» یا «بیماران» مخیر کرده است، آیا همان تشکیل میز قرمز، مشابه با مدل جنگ سرد بین شوروی و آمریکا برای جلوگیری از جنگ احتمالی، اکنون باید در دستور کار تهران قرار بگیرد؟ به بیان دیگر شما معتقدید اگر مذاکراهی بین ایران و دولت دوم ترامپ باشد، نه برای توافق جدید، بلکه مجدداً برای ایجاد همان میز قرمز باشد؟



و توافق جدید، بلکه ایجاد یک «میز قرمز» بود و دیگری هم به دوره جو بایدن بازمی‌گردد. من در همان زمان گفتم که دولت بایدن یک فرصت برای دیپلماسی ماست که ایران می‌تواند برجام را احیا کند. من بارها با خود شما گفت‌وگو کردم و تیرهای معروفی دارم. پس نیازی نیست بگویم که هیچ‌گاه در دوره دوم دونالد ترامپ اسمی از مذاکره نبردم، اما هیچ‌کدام از آن توصیه‌هایی که برای مذاکره در دولت اول ترامپ و دولت جو بایدن مطرح کردم، مورد توجه قرار نگرفت و نهایتاً ما با قربانی شدن احیای برجام پای منافع پوتین در جنگ اوکراین شاهد شرایطی هستیم که با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، اکنون رؤسای جمهور آمریکا و روسیه با آغاز عصر تاراجگری خود به‌راحتی می‌توانند کشورهایی را قربانی منافعشان کنند.

ک به نکته بسیار مهمی اشاره کردید؛ تشکیل «میز قرمز» در دولت اول دونالد ترامپ بین ایران و آمریکا، اکنون هم بسیاری معتقدند که سایه یک جنگ پس از بازگشت ترامپ به کاخ سفید سنگینی می‌کند. کم‌اینکه ترامپ صراحتاً ایران را بین ادعای «توافق جدید» یا «بیماران» مخیر کرده است، آیا همان تشکیل میز قرمز، مشابه با مدل جنگ سرد بین شوروی و آمریکا برای جلوگیری از جنگ احتمالی، اکنون باید در دستور کار تهران قرار بگیرد؟ به بیان دیگر شما معتقدید اگر مذاکراهی بین ایران و دولت دوم ترامپ باشد، نه برای توافق جدید، بلکه مجدداً برای ایجاد همان میز قرمز باشد؟

من در دولت اول دونالد ترامپ که پیشنهاد مذاکره مستقیم برای تشکیل میز قرمز را مطرح کردم، در آن زمان بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های وجود داشتند که به دنبال تقابل، جنگ و تنش مستقیم بین ایران و آمریکا بودند و من معتقدم که در آن زمان باید یک میز قرمز تشکیل می‌شد تا تحکرات ضد ایرانی این بازیگران، ترامپ را به سمت اقدام نظامی علیه ایران سوق ندهد.

ک اکنون چطور؟

اکنون که دولت دوم دونالد ترامپ روی کار آمده است، ما دو بازیگر مهم منطقه‌ای داریم که نقش‌شان متفاوت از قبل شده است. نخست اسرائیل است که بعد از تحولات هفتم اکتبر به دنبال وضعیتی است که نهایتاً سناریوی جنگ مستقیم با ایران در دستور کار قرار بگیرد، چون نتایه‌هاو معتقد است اگر شرایطی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران فراهم شده باشد، اکنون بهترین فرصت است. اما در مقابل کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و مشخصاً عربستان سعودی، دیگر رفتارهای سابق خود در دولت اول ترامپ را در قبال ایران ندارند. بعد از احیای مناسبات ریاض-تهران اکنون سعودی‌ها و محمد بن سلمان دیگر هیچ تمایلی به تنش، تقابل و درگیری آمریکا با ایران ندارند و حتی

شوق

واکاوی سمت‌وسوی سیاست خارجی تهران پس از جدال زلنسکی و ترامپ در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

آغاز عصر تاراجگری پوتین و ترامپ

برخی گزارش‌ها و تحلیل‌های رسانه‌ای حکایت از آن دارد که بن‌سلمان سعی دارد با میانجیگری، حداقل مانع از تصاعد بحران بین ایران و آمریکا شود. این در حالی است که عربستان سعودی در دولت اول دونالد ترامپ چندان بی‌میل نبود که یک جنگ مقطعی و درگیری نقطه‌ای از سوی آمریکا علیه ایران صورت بگیرد، اما اکنون وضعیت کاملاً متفاوت است.

ک **با این اوصاف باید پرسید که چرا ریاض اکنون به دنبال میانجیگری است؟**

تحلیل اشتباهی نداشته باشیم. اگر عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی منطقه به دنبال میانجیگری بین ایران و دولت دوم دونالد ترامپ هستند، بیشتر برای آن است که از تصاعد تنش و بحران جلوگیری کنند، نه توافق و این هم به خاطر منافع ایران و آمریکا نیست، بلکه سعی دارند وضعیت منطقه به سمت شرایط جنگ، بی‌ثباتی و ناامنی کشیده نشود؛ چون این وضعیت درست در ضدیدت با برنامه‌ها، پروژه‌ها و اهداف بلندمدت کشورهای عربی در زمینه توسعه اقتصادی و تجاری قرار دارد.

ک **ما هم می‌پرسم اکنون چطور؟ باز هم ضرورتی برای تشکیل میز قرمز بین ایران و آمریکا می‌بینید؟**

این سؤال شما دو پاسخ دارد؛ اول آنکه ضرورت تشکیل میز قرمز بین ایران و آمریکا در هر شرایطی وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه اکنون دونالد ترامپ همان رفتار اقتدارگرایانه را دارد. اما در پاسخ دوم‌تان، اگر منظور شما این است که در کوتاه‌مدت امکان درگیری و حمله بین ایران و آمریکا وجود دارد که باید به فوریت میز قرمز را تشکیل داد، من چنین تصویری ندارم.

ک **ارزایی‌تان با تناقض همراه نیست؟**

نه، تناقضی وجود ندارد. من معتقدم مناسبات ایران و آمریکا در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته به نحوی پیش رفته است که ضرورت وجود یک میز قرمز و تماس مستقیم در شرایط اضطرابی و با هدف جلوگیری از جنگ ناخواسته بین دو کشور وجود دارد و این فارغ از آن است که چه رئیس‌جمهوری و با چه نگاهی روی کار باشد. پس ضرورت این میز قرمز در هر شرایطی احساس می‌شود تا تماس مستقیم و فوری بین تهران و واشنگتن برقرار باشد. اما اگر بخواهیم این برداشت را داشته باشیم که ضرورت تشکیل میز قرمز در وضعیت کنونی لزوماً به معنای آن است که دونالد ترامپ در کوتاه‌مدت به ایران حمله می‌کند، فعلاً من چنین تصویری ندارم.

ک **به چه دلیل؟**

چون با توجه به همان اهداف سوداگرآرایانه اقتصادی دونالد ترامپ فعلاً، تأکید دارم فعلاً، ترامپ به دنبال اتخاذ راهکار نظامی علیه ایران نیست و برخلاف توصیه‌ها و تأکیدات اسرائیل و شخص نتانیاهو، ترامپ سعی ندارد تنش با تهران را اجرایی کند.

ک **فراموش نکنیم در همین مدت ۴۰ روزه که دونالد ترامپ به کاخ سفید بازگشته است، با وجود توقف موقت کمک‌های خارجی آمریکا، اسرائیل از این موضوع مستثنا شده و حتی با اجرائی‌کردن قرارداد‌های نظامی و تسلیحاتی، برخی جنگ‌افزارهای معنادار را به اسرائیل داده است. به هر حال ارسال بمب‌های سنگرشکن تقریباً همه ناظران را به این پرسش رسانده که تأسیسات هسته‌ای می‌تواند هدف این تسلیحات باشد؟**

اجرائی‌کردن توافقات تسلیحاتی مربوط به دولت دونالد ترامپ نیست، بلکه توافقاتی است که مربوط به قبل است که باید این دولت اجرایی می‌کرد. ضمن آنکه اسرائیل این بمب‌های سنگرشکن را هم در اختیار داشت. آن چیزی که اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در اختیار ندارد، بمب‌های ۱۳تنی است و فعلاً هم دولت ترامپ آن را در اختیار اسرائیل قرار نداده است.

۲۵٪ تخفیف ویژه
۳۵٪ تخفیف پکیج

کتاب شرق، پنجره‌ای رو به توسعه

شماره تلفن انتشارات شرق ۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵

۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴

با گوشی اسکن کنید

تومان ۴۶۰،۰۰۰

تومان ۳۲۰،۰۰۰

تومان ۲۸۰،۰۰۰

تومان ۲۸۰،۰۰۰

تومان ۵۷۵،۰۰۰

تومان ۳۱۰،۰۰۰

تومان ۳۵۰،۰۰۰

تومان ۱۸۰،۰۰۰

تومان ۲۵۰،۰۰۰

تومان ۱۹۸،۰۰۰

تومان ۳۲۵،۰۰۰

تومان ۳۱۰،۰۰۰

تومان ۳۱۰،۰۰۰

تومان ۴۳۰،۰۰۰

تومان ۴۸۵،۰۰۰

تومان ۱۷۵،۰۰۰

تومان ۲۱۵،۰۰۰

تومان ۲۵۰،۰۰۰

تومان ۲۹۵،۰۰۰

تومان ۲۳۰،۰۰۰